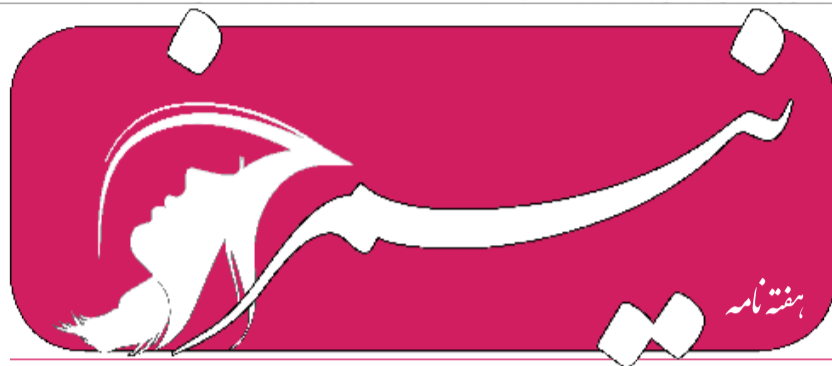




سال دوم  
شماره ۷۵  
دوشنبه  
۲۹ دلو ۱۳۹۷  
قیمت ۱۰ افغانی  
Monday  
February 18, 2019  
Vol. 2  
No. 75



این جا، چراغی روشن است

در شهری که شادی و عشق  
تکفیر می شود بدون شک  
مردم به استقبال جنگ و خشونت  
می روند.  
حسین احمدی

رویکرد نیمه

## عاشقانه های سیاسی

عاشقانه ها را سیاسی می سازیم  
تا جدی گرفته شویم

چهاردهم فبروری روز عاشقان بود. روزی که در مورد فلسفه وجودی آن روایات بسیار است. در این روز، شهر کابل برخلاف تمام محدودیت های سیاسی و اجتماعی، اما جوش و خروشی خاص داشت. در بسیاری نقاط این شهر گل فروشی ها فضا را آمیخته با رنگ گل های مختلف کرده بودند. پوقانه ها با رنگ های مختلف که روی آن نوشته بود «دوستت دارم»؛ بر فراز بام شهر و پیش گل فروشی ها در حال پرواز بودند. عاشق و معشوقه های بسیار، دست در دست هم تمام کوچه و پس کوچه های پر از گل و پوقانه های رنگی را قدم زدند.

در تاریخ بشریت دو مفهوم عشق و سیاست تاریخ و بار معنایی سنگین و پیچیده ای دارد. چه عشق های که سیاسی نشد و چه سیاست های که عشق مسیرش را دگرگون نکرد. با تعریفات که به صورت جدید در جوامع مختلف شکل گرفته و کم و بیش رنگ خاص خود و جدا از سیاست را پیدا کرده؛ اما روز عاشقان در کابل هم چنان با رنگ و بوی سیاست عجیب بود. سخنان عاشقانه توام با سخنان در مورد سیاست گفته شد و در حقیقت، شاعران با استفاده از شرایط سخن عشق گفتند و از این طریق بر سیاست و حتا سنت و فرهنگ اعتراض کردند و برای چندمین بار در دل خاطرات تاریخ کوشیدند که عشق با جنبه بی طرفانه تر از موضوعات چون سیاست و... را در درونش معنا کند.

عاشقانه های ما: شعر، متن های کوتاه، حرف های رو در رو و... تمام این ها در عین حال که عاشقانه بود، اما رنگ و بوی سیاسی نیز داشت. این نشان دهنده ای این است که: ادامه در صفحه ۳...

## نیاز نیست زنان را از نو مسلمان بسازند

صلحی را که مشروط به رفتار زنان در چارچوب اسلامی و افغانی می گویند هیچ معنا ندارد؛ مگر اکنون زنان افغان مسلمان نیستند؟ نیاز نیست زنان را از نو مسلمان بسازند.

صفحه ۳

## شاخص بودن امر زیبایی برای زنان

سنت های دست و پاگیر تنها زندان فکری  
برای آدم هاست



روایت  
کج نجیبه نوری

طعن های آن ها خال های روی بینی ام بود، خال هایی که من را وادار می کرد تا از وسط بازی و کوچه بدم و برای اطمینان خاطر خودم را برسانم به آینه. آن وقت دو بالشت را زیر پا می گذاشتم تا به سختی از چانه بالاتر ام را به آینه برسانم. با انگشت های کوچولو و ظریف کودکانه ام محکم خال های روی بینی ام را فشار می دادم تا شاید گم شوند اما این اتفاق برای چند ثانیه می افتاد و پس به حالت طبیعی خود برمی گشت. سال ها بعد به وطن -افغانستان- برگشتم، در کوچه ها فقط با دختران باید بازی می کردیم و از آن جایی که نو جوان شده بودم در چهره ام نیز تغییراتی به وجود آمده بود. می توانم

بارها اتفاق افتاده است که وقتی روی تکه شیشه ای چهره ام را می بینم حس می کنم صورتم تغییر کرده است. به یاد می آورم که در گذشته ها از چشم هایم که پف کرده بودند دل گیر می شدم و یا از دماغم که زیادی سرش بزرگ است و بارها هم به خاطر گونه های سرخ ام. وقتی هشت سالم بود با دوستانم در کوچه ای ما که به اسم «محل عرب ها» مشهور بود بازی می کردیم. بعضی وقت ها که با هم قهر می کردیم

ادامه در صفحه ۲...



Future Leaders Consultancy

About Future Leaders Consultancy (FLC)

Future Leaders Consultancy (FLC) is an educational and capacity building center which provides quality education for young Afghans through a range of training and support programs. FLC helps Afghan students who intend to study abroad, particularly in the United States, the United Kingdom, Australia, Canada, New Zealand, Germany, France and Japan to:

- 1) Learn English quickly and proficiently;
- 2) get higher scores in standardized tests such as the TOEFL, IELTS, GRE and GMAT;
- 3) learn essential skills such as academic and analytical writing and critical thinking;
- 4) make strong and winning applications for prestigious scholarship programs;
- 5) learn the fundamental and essential skills for scholarship interviews; and
- 6) get admission at top universities in the above-mentioned countries.

Start Today, Achieve Tomorrow

Future Leaders Consultancy - FLC  
info@flc.edu.af

در باره ما:

مرکز مشاوره و آموزشی رهبران آینده یا Future Leaders Consultancy یک نهاد تعلیمی و ظرفیت سازی است که هدف آن فراهم نمودن آموزش با کیفیت از طریق برنامه های آموزشی و حمایتی است. مرکز اف-ال-سی (FLC) از طریق برنامه های آموزش زبان انگلیسی عمومی، تافل، آیلتس و مشوره دهی تحصیلی، دانشجویان افغان را کمک می کند تا برای به دست آوردن بورسیه های تحصیلی خارجی، مشخصاً بورسیه های امریکا، بریتانیا، استرالیا، کانادا، نیوزیلند، آلمان، فرانسه و جاپان آماده شوند.

برنامه های آموزشی ما:

- 1) تدریس زبان انگلیسی به شیوه ای سریع و باکیفیت از سطوح مبتدی؛
- 2) برگزاری دوره های ویژه 6 ماهه TOEFL Planner برای کسانی که می خواهند انگلیسی کاربردی برای امتحان تافل را به صورت سریع فرا گیرند.
- 3) تدریس مهارت های امتحان تافل، آیلتس، جی-آر-ای و جی-مت به روش سریع، کاربردی و با کیفیت؛
- 4) تدریس مهارت های اساسی تحصیلی مانند نوشتن آکادمیک (Academic Writing)، نوشتن تحلیلی (Analytical Writing)، تفکر انتقادی (Critical Thinking) و غیره؛
- 5) آموزش چگونگی تهیه درخواست نامه (Application) قوی و موفق برای بورسیه های تحصیلی مهم؛
- 6) تدریس و تمرین مهارت های مصاحبه بورسیه های تحصیلی معتبر؛
- 7) همکاری برای گرفتن پذیرش در دانشگاه های غربی؛

آدرس: ناحیه 3، سرک گولایی دواخانه، مجتمع گلبرگ، بالای فروشگاه من و تو، واحد شماره 4  
+93 781 309 309



تحلیل  
فرناز سفی

## بلندی‌های پاشنه: قلمرو «مردانه‌ای» که زنانه شد

«مردانگی مترادف با عقل و منطق شد و زنانگی متضاد این مفاهیم» و تأکید می‌کند که متفکرانی مثل ژان ژاک روسو، نقش چشم‌گیری در گسترش چنین تفکرهای جنسیت‌زده و کلیشه‌سازی از مرد و زن داشتند. کم‌کم این دسته‌بندی و کلیشه‌سازی به مد و رخت مردان و زنان درباری هم رسید. دیگر کفش‌های پاشنه‌بلند با پاشنه‌های رنگی و ظرافت‌های تراشیدن پاشنه، معنی «عقل و منطق و قدرت مردانه» نداشت. بیش‌تر نمادی از «ظرافت و شکنندگی زنانه» بود و محدودیت امکان مانور زنان. کم‌کم مردان درباری دست از پوشیدن کفش‌های پاشنه‌بلند برداشتند. در آن دوران مد و شیوه‌های پوشش، کاملن از دربار و طبقه‌ی اشراف شروع

وقتی زنان خواهان «برابری» شدند چندین دهه است که کفش پاشنه‌بلند زنان بیش از هر چیز با مفاهیمی مثل اجبار اجتماعی، روایت‌های کلیشه‌ای و جنسیت‌زده از «جذابیت جنسی زنان» و سخت‌تر کردن روزمره‌ی زنان گره خورده است. اما جالب است بدانیم که کفش پاشنه‌بلند وقتی از انحصار مردان درآمد که زنان درباری خواستار امتیاز بیش‌تر در دربار و «برابری» با مردان دربار شدند. الیزابت سمل‌هک، در کتابش توضیح می‌دهد که در قرن هفدهم، عده‌ای از زنان در دربارهای گوناگون اروپایی به دنبال کسب قدرت و امکان نقش‌آفرینی بیش‌تر در سیاست بودند. آن‌ها باور داشتند که اولین گام در این راه این است که «شبیه مردان» لباس



کفش‌ها می‌توانند هزار معنا داشته باشند. برای خیلی به معنای مد باشند و به‌روز بودن در زمینه‌ی پوشش، برای خیلی‌ها نماد «دارنده‌گی و برازنده‌گی»، برای عده‌های نشانه‌ی قدرت و خودنمایی، برای یک سری دیگر نشانه‌ی دل‌بری و جلوه‌گری، برای بعضی هم نشانه‌ای از حفاظت.

کفش‌ها گاه آرام‌بخش‌اند و اسباب راحتی پا و تن و گاه دیدن‌شان اسباب دلهره‌ی دیگران می‌شود. برای مثال یاسمین الرشیدی، داستان‌نویس مصری در رمان «ماجراهای تابستان گذشته» توضیح می‌دهد که چطور در مصر، مأموران امنیتی را از کفش‌های‌شان شناسایی می‌کنند. تقریبین همه‌ی این مردان، کفش‌های سنگ‌دار نوک‌تیز ورنی به پا دارند.

ادبیات و سینما سرشار است از نوشته‌ها و نقل‌قول‌ها در اهمیت کفش، لزوم کفش، هزار معنای نهفته و آشکار کفش. اما یک کفش است که هویت‌اش بیش‌تر از هر چیز با زنان گره خورده است: کفش‌های پاشنه‌بلند. این نوع کفش گاه مترادف با «جذاب بودن» و «زیبایی» شده است و گاه نشانه‌ی «زن قدرت‌مند یا وسوسه‌گر».

همان‌اندازه که در ستایش پاشنه‌بلند نوشته شده، در انتقاد از این نوع کفش که اغلب راحت هم نیست، نوشته شده است. فمینیست‌ها بارها اجبارهای اجتماعی یا اداری را نقد کردند که از زنان می‌خواهد در مهمانی یا محیط کار فقط این نوع کفش را به پا کنند و راحتی خود را فدای تعریف کلیشه‌ای از «زیبایی» یا «شیک بودن» بکنند. سال گذشته کریستین استوارت، بازی‌گر سینما، در جشنواره‌ی فیلم «کن» در سرخط خبرها قرار گرفت. او هنگام راه رفتن روی فرش قرمز، جلوی دوربین صدها خبرنگار و عکاس، کفش‌های پاشنه‌بلند خود را در اعتراض به این «قانون نانوشته»ی جشنواره کن که زنان باید پاشنه‌بلند به پا کنند، درآورد و با پای برهنه روی فرش قرمز راه رفت.

کم‌تر رخت و پاپوشی است که به اندازه‌ی کفش پاشنه‌بلند با هویت «زنانه» گره خورده باشد. اما کم‌تر از تاریخ جالب و پرفراز و نشیب پشت این نوع کفش حرف زده می‌شود. کفشی که اصلن «کفش مردانه» بود و تا مدت‌ها زنی حق پوشیدن چنین کفشی را نداشت.

ادامه از صفحه اول

### شاخص بودن امر...

این‌طور شرح دهم؛ دختری لاغر اندام با موهای طلایی و چشمان سبز که این دو صورت‌ام را برجسته‌تر کرده بود و خال‌های صورت‌ام که خیلی اذیت‌ام می‌کردند به مراتب کم‌رنگ‌تر شده بودند.

در این صورت با به وجود آمدن تغییراتی در صورت‌م، طعنه‌ها هم تغییر کرده بودند. پیشیم سوزک که در قریه‌جات بدشمنی می‌آورد و یک متل را هم به آن اضافه می‌کردند؛ چشم سبز سنگ را می‌ترقاند. در پهلوی این، موهای طلایی‌ام باعث می‌شد من را آمریکایی و خارجی‌گک صدا کنند. به هر حال در آن زمان من از چشمان و موهایم متنفر بودم.

جوان که شدم به شهر کوچ کردیم. در همان سال‌ها چشم‌های سبز و موهای طلایی شد خصوصیت دختران زیبا و قشنگ. این‌بار دوستان شهری‌ام می‌گفتند: چشم‌ها و موهای قشنگ و باب روز است. گاهی، قضاوت‌های نادرست که بسته به یک جغرافیای خاص است، عامل نابودی ذهن و روان آدم‌ها می‌شود. این قضاوت‌ها نابود کننده است. بنابراین، کافی است که دگرگونه‌نگریم به موضوع و یا این که با تغییر جغرافیا نیز متوجه می‌شویم که سنت‌های دست و پا گیر که مرا درگیر کرده بود، تنها زندان فکری برای آدم‌ها است. این امر برای زنان شاخص است.

می‌شد و به دیگر گروه‌های اجتماعی تسری پیدا می‌کرد. وقتی مردان درباری دیگر پاشنه‌بلند نپوشیدند، کم‌کم تمام مردان پوشیدن این کفش‌ها را کنار گذاشتند و پاشنه‌بلند، بیش‌از هر چیز معنای «شکنندگی و ظرافت زنانه» پیدا کرد.

در قرن هجدهم که کشورگشایی‌ها و استعمار اروپاییان گسترده‌تر شد و به مناطق جغرافیایی بیش‌تری رسید، استعمارگران اروپایی این باور را با خود به فرهنگ‌های دیگر بردند که کفش پاشنه‌بلند «ظریف و زنانه و شکننده» است و به کار یک «مرد واقعی» نمی‌آید.

اما در تولید انبوه کفش پاشنه‌بلند زنانه، یک کارخانه‌ی آمریکایی بود که نقش مهمی داشت. در سال ۱۸۸۸ میلادی، اولین کارخانه‌ی تولید کفش پاشنه‌بلند در نیویورک افتتاح شد. ناگهان گروه گسترده‌تری از زنان توانستند کفش‌های پاشنه‌بلند با مدل‌های متنوع را بخرند. وقتی اندازه‌ی پیراهن و دامن لباس‌های زنان در دومین دهه‌ی قرن بیستم میلادی کوتاه‌تر شد، برای اولین بار پاهای زنان کاملن در معرض دیدگان بود و کفش زیبا و خوش‌دوخت، لزوم و اهمیت بیش‌تری پیدا کرد. در نتیجه تولید کفش‌های پاشنه‌بلند با مدل‌ها و شکل و اندازه‌ی متنوع پاشنه نیز بیش‌تر شد.

سال‌هاست که به کفش پاشنه‌بلند انگ مردسالاری خورده است، این که این کفش‌ها نظام منحن مردسالارانه و اصول و ارزش‌های آن را بازتولید می‌کنند، اما این تنها یک سویه‌ی ماجراست. همان‌طور که جودیت باتلر، منتقد ادبی و فمینیست پسا‌ساختار‌گرا در کتابش نوشت: «نه تنها می‌شود از انجام و اجرای یک قانون سرباز زد، که حتی می‌شود آن را از اساس به هم ریخت و مجبورش کرد که به گونه‌ای تازه صورت‌بندی شود، گونه‌ای که دیگر پایبند به این نیست که برای همه کس و در همه جا یک مفهوم داشته باشد و یک جور کار کند.» به عبارت دیگر کفش پاشنه بلند همیشه نظام قوانین مردسالاری را تغذیه و تقویت نمی‌کند، بلکه گاهی هم می‌تواند به نافرمانی در برابر این نظام و به هم ریختن دستگاه معنایی‌اش بینجامد. راه‌ها و شیوه‌های مقاومت و نافرمانی به عدد نفوس خلاق است و بهتر است هیچ‌وقت، هیچ‌کدام را دست‌کم و نادیده نگیریم.

بیپوشند و ظاهر خود را «مردانه» کنند. نویسنده در کتاب توضیح می‌دهد که چطور اولین گروه از زنان درباری جرات کردند موهای خود را کوتاه کنند، پیپ بکشند و کفش‌های پاشنه‌بلند به پا کنند. اولین واکنش‌ها به این گروه از زنان، موجی از تمسخر، دست‌انداختن و تحقیر بود.

البته پیش از آن در قرن شانزدهم میلادی، یک نمونه‌ی معروف از زنی که برای مراسم عروسی خود کفش پاشنه‌بلند به پا کرد، ثبت شده است. کاترین دو مدیچی، از خاندان متنفذ دو مدیچی در فلورانس ایتالیا که زنی کوتاه‌قامت بود، در روز عروسی خود کفش پاشنه‌بلند به پا کرد و موجب حیرت همه شد. اما پاشنه‌های بلند کاترین، واقعه‌ای بود که یک‌بار رخ داد و تأثیری در میل زنان به پوشیدن کفش پاشنه‌بلند نداشت.

بعد از مدتی مقاومت دربار در برابر کفش‌های پاشنه‌بلند زنان، بالاخره زور و اصرار زنان درباری اثر کرد و دربار فرانسه و بعدتر دیگر دربارهای غربی به زنان درباری هم اجازه دادند تا کفش پاشنه‌بلند بپوشند. اما پاشنه‌های کفش‌های آن‌ها یک فرق اساسی با مردان داشت: پاشنه‌های کفش‌های زنان باریک و نازک بود و کفش‌های مردان پاشنه‌هایی قطور داشت. دربار می‌خواست به این شکل، کماکان بین پاپوش مرد و زن تفاوت‌هایی باشد و آن‌طور که الیزابت سمل‌هک توضیح می‌دهد، کماکان این معنا را برساند که زنان، از مردان کم‌ترند و قرار نیست بتوانند به راحتی مردان راه بروند یا سوارکاری ورق برگشت و پاشنه‌بلند نشان «ضعف» شد.

با آغاز عصر روشن‌گری در اروپا، عده‌ای از متفکران آن عصر شروع به طرح پرسش‌هایی بنیادین و رادیکال برای دوران خود کردند، پرسش‌هایی مثل این که شاید جنسیت افراد در جدا کردن آن‌ها از هم و «سلسله‌مراتب» مهم‌تر باشد تا طبقه‌ی اجتماعی آن‌ها. در راستای این باور بود که فلاسفه و متفکران پیش‌تری بر این طبل کوبیدند که تفاوت‌های بنیادین میان افراد بیش‌تر از این که ناشی از خاستگاه طبقاتی آن‌ها باشد، ناشی از جنسیت است و زنان را مترادف با «جنس ضعیف، شکننده، احساساتی» دانستند و در یک کلام نظر و باور آن‌ها کم‌ارزش تلقی شد.

الیزابت سمل‌هک در کتاب پژوهشی خود توضیح می‌دهد که در این دوران

جدگیسو

رامین مظهر

دم به دم منزل به منزل دوست دارم

بر ضد سنت‌های قاتل دوست دارم

تو مومن استی و نمازت بوسه‌هایت است

تو فرق داری، اعتراض بوسه‌هایت است

از عشق، از امید، از فردا نمی‌ترسی

می‌بوسمت در بین طالب‌های نمی‌ترسی

می‌بوسمت در گوشه‌ی مسجد نمی‌لرزی

در بین عطر و وحشی سنجدم... نمی‌لرزی

می‌بوسمت در تاکسی‌ها، در خیابان‌ها

می‌بوسمت بر ضد تکفیر مسلمان‌ها

در بین زخم و خون و تاول‌ها بگیر از لب

در بین شلیک مسلسل‌ها بگیر از لب

می‌بوسمت در بین بغض و سوگواری‌ها

می‌بوسی‌ام در دار و گیر انتحاری‌ها

می‌بوسی‌ام تا لحظه‌ای در آسمان باشیم

در شهر پیر و مردنی‌شان جوان باشیم

گرچه جوانی تیغ مانده روی گردن بود

با ناله‌ی ظاهر هویدا گریه کردن بود

تنها به خانه ماندن و تنها سفر کردن

با جیب خالی تا ته دنیا سفر کردن

مانند بغضی زیر باران منفجر گشتن

با «سید قطبی» در خیابان منفجر گشتن

شب‌ها «غزالی» خواندن و خواب بدی دیدن

هر برگ گل را در نگاه مرتدی دیدن

در مدرسه آموختن قتل برادر را

چاقو زدن از پشت، گل‌های صنوبر را

شاعر شدن، در حسرت با ماه خوابیدن

با «خادم دین رسول‌الله» خوابیدن

سهم تو از این شهر تنها ناسیاسی است

هر اشک من یک مهره‌ی خوب سیاسی است

آرام می‌آیی بغل می‌گیرمت آرام

گریه نکن، گریه نکن می‌میرمت، آرام

می‌بوسم اشک جاری بر گونه‌هایت را

موی تراه، لب‌های خشکت راه صدایت را

با من بگو، یک عمر لب را دوختی ارچند

گریه نکن باغ انارم، سوختی ارچند

غنچه گل نورسته بر روی مزار من!

بر شانه‌ام سر را بمان دار و ندار من

می‌بوسمت در تاکسی‌ها در خیابان‌ها

می‌بوسمت ضد غزالی خواندن آن‌ها

می‌بوسمت در منبر مسجد نمی‌ترسی

هر چند می‌خوانندمان ملحد، نمی‌ترسی

در بین زخم و خون و تاول‌ها بگیر از لب

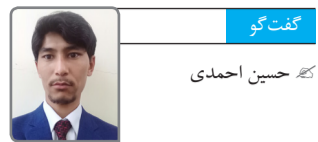
در بین شلیک مسلسل‌ها بگیر از لب

می‌بوسمت در بین بغض و سوگواری‌ها

می‌بوسی‌ام در دار و گیر انتحاری‌ها

می‌بوسی‌ام در سوگواری‌ها و محفل‌ها

می‌بوسمت بر ضد فتوای قاتل‌ها



دکتر حسین احمدی

گفت‌وگو با پلوشه حسن، رییس موسسه اوپک (AWEC) و فعال حقوق زن

● خانم حسن، تشکر که برای این گفت‌وگو وقت گذاشتید. در این اواخر مذاکرات و مباحث صلح با گروه طالبان جدی شده و مساله حقوق و آزادی‌های زنان نیز به یک بخش مهم این پروسه تبدیل شده است. اگر در نخست منجبت یک فعال حقوق زن دیدگاه تان را در مورد روند صلح افغانستان بگویید؟

تشکر از شما و هفته‌نامه نیمرخ که برای ما این فرصت را مهیا کردید تا نظرات خود را در مورد یک پروسه بزرگ ملی ابراز کنیم. ما به هم‌کاری شماری از خانم‌ها چندین سال است که برای مشارکت زنان در پروسه صلح کار می‌کنیم. همه به این نتیجه رسیده‌اند که مشکلات افغانستان با جنگ حل نمی‌شود؛ باید از طریق گفت‌وگو و صلح حل شود. جنگ در افغانستان بی‌نهایت خشن بوده و هنوز هم همه‌روزه مردم قربانی می‌شود. حالا دنیا به مقطع زمانی رسیده که حوصله‌ی تحمل افغانستان را هم ندارد و می‌خواهد بار خود را از این جا برچیند؛ بنابراین برنامه می‌ریزد که چطور افغان‌ها را مجبور به صلح کند. مشکل کار هم این‌جاست که ما به آن پخته‌گی سیاسی نرسیده‌ایم تا مشکلات خود را به صورت مسالمت‌آمیز حل کنیم. حالا که بحث صلح مطرح شده مساله این است که چگونه صلح کنیم و چطور به صلح پایدار دست یابیم.

بحث جنسیت برای تامین صلح پایدار چقدر مهم است؟

صلح پایدار زمانی تامین خواهد شد که تمام اقوام افغانستان، گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی اعم از جنسیت زن و مرد در آن مشارکت داشته باشند و مطمئن باشند که حقوق و آزادی‌های شان در آینده محفوظ می‌ماند. هم‌چنان که برای داشتن افغانستان واحد، اصل برابری ملیت‌ها و برابری جنسیتی همه شهروندان کشور درج قانون شد، جهت حفظ این ارزش‌ها باید در پیمان صلح یک ضمانت بین‌المللی و این تعهد گرفته شود که افغانستان دوباره درگیر جنگ نمی‌شود. اکنون برای تامین صلح در کشور اجماع ملی وجود دارد. همه خواهان صلح اند؛ اما در مورد چگونه‌گی صلح هر شهروند یک نگرانی دارد تا دست‌آورد هایش را از دست ندهد. در قسمت زنان نیز نگرانی‌هایی وجود دارد. طی هجده سال گذشته زنان توانستند شماری از حقوق و آزادی‌های سلب شده شان را دوباره به دست آورند و به پیش‌رفت‌های جدیدی هم نایل شوند. مشارکت سیاسی زنان در افغانستان که

در قوه مقننه ۲۷ درصد و خدمات ملکی نیز ۲۷ درصد است، این رقم در منطقه یک امتیاز ویژه برای زنان افغانستان به شمار می‌رود. هم‌چنین در بخش اقتصادی امروز زنان بیش‌تر از یک بیلیون افغانی را سرمایه‌گذاری کرده‌اند. در قسمت آموزش عالی و سوادآموزی نیز زنان بیش‌تر از هر گروه مردانه کار کرده‌اند. وقتی که مردان به گروه‌های متخاصم تقسیم‌بندی می‌شود، زنان، اما مکاتب زیرزمینی تشکیل می‌دهند و حتا در مهاجرت با سخت‌ترین شرایط مصروف آموزش می‌شوند. از سویی هم زنان تاکنون در ویرانی شهرها و آتش‌افروزی جنگ‌ها در کشور نقش نداشته‌اند ولی در بازسازی سهمیه شده‌اند؛ بنابراین در افغانستان نوین باید زنان نیز تصمیم‌گیرنده باشند.

● حالا که قرار است افغانستان نوبنی شکل بگیرد که در آن گروه‌های مخالف دولت وجود نداشته باشد و این روند از طریق گفت‌وگوهای صلح صلح می‌شود؛ تاکنون زنان در کجای این گیرودار صلح قرار داشته‌اند؟

نخست، جای امیدواری است که مردان گروه‌های متخاصم به این ظرفیت رسیده‌اند تا پشت میز بنشینند و در مورد پایان جنگ و تامین صلح باهم مذاکره کنند. ما از این حرکت شان خوش هستیم؛ اما سخن ما این است که بدون حضور زنان ابعاد این مذاکره کامل نیست و حتا آغاز دوباره‌ی جنگ نیز محتمل است. برای مشارکت زنان در گفت‌وگوهای صلح، گردهمایی‌ها و برنامه‌های متعدد دایر شده است و برنامه‌هایی مانند مادران صلح، رهبران زن برای هماهنگی و سلسله نشست‌های زنان برای تأکید بر مشارکت و جایگاه تصمیم‌گیری زنان در روند صلح جریان دارد تا یک صلح پایدار تامین شود.

● یعنی هدف تان این است که تنها کسب نظر از زنان در حد مشورت مهم نیست؛ بلکه زنان باید در پروسه صلح تصمیم‌گیرنده باشند؟ برنامه‌ریزی‌ها، گفت‌وگوها و هماهنگی‌های زنان برای مشارکت در پروسه صلح از سراسر افغانستان و خارج از

# نیاز نیست زنان را از نو مسلمان بسازند

صلحی را که مشروط به رفتار زنان در چارچوب اسلامی و افغانی می‌گویند هیچ معنا ندارد؛ مگر اکنون زنان افغان مسلمان نیستند؟ نیاز نیست زنان را از نو مسلمان بسازند.

باید همه شهروندان بدون تفکیک جنسیت و قومیت مشارکت داشته باشند تا در راستای بهبودی حرکت کنیم.

● وقتی می‌گویید زنان افغان به گذشته بر نمی‌گردند، دقیقن زنان امروز چه تفاوت و ارزش‌هایی دارند که نباید نادیده گرفته شود؟ متأسفانه سیاستمداران تاهنوز هم با کارت‌های قومی بازی می‌کنند. درحالی که فقر و فساد به صورت فراگیر همه شهروندان را متأثر کرده است. حالا زنان با تمرکز به مسایل ملی و به‌دور از چارچوب‌های فکری قومی و جناحی برای همه مردم دادخواهی می‌کنند و می‌خواهند برای افغانستان کار کنند، نه برای زن، برای ملت و همه شهروندان کار کنند، نه برای یک قوم و برای منافع ملی کار کنند، نه برای منافع یک جریان سیاسی. نهادهای امنیتی (اردوی ملی، پولیس ملی و امنیت ملی) که حافظ ثبات و امنیت افغانستان هستند و نظام دموکراسی برای زنان افغان خط قرمز است که به هیچ

کشور در راستای ثبات و تقویت افغانستان و تامین صلح پایدار است. برای تامین یک چنین صلحی، نظر زنان این است که نباید اجازه دهیم افغانستان به دهه هفتاد برگردد و زنان از صحنه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی طرد و حق آموزش شان سلب شود. بنابراین شعار گفتمان‌های زنان در مورد صلح نیز این است که «زنان افغان به گذشته بر نمی‌گردند».

اکنون ما صاحب یک افغانستان جدید هستیم و نمی‌خواهیم آن‌چه را ساخته‌ایم شبیه گذشته در اثر عدم تفاهم جناح‌های سیاسی ویا معامله‌های سیاسی شان تحت عنوان صلح، از دست دهیم. ما به این دلیل می‌گوییم زنان باید تصمیم‌گیرنده باشند؛ چون زنان و نسل جدید افغانستان دانش‌آموخته و با ظرفیت هستند و به مسایل اختلاف قومی-مذهبی و جناحی دامن نمی‌زنند. شماری زیادی از خانواده‌ها در بامیان هنوز هم در مغاره‌ها زنده‌گی می‌کنند و خانه ندارند، از ولایت پکتیکا در بیست سال گذشته پانزده دختر فارغ شده اند؛ این‌ها از جمله شرمندگی‌های ملی ما است که



● یعنی نظر شما این است که بیش‌تر از اینکه ما به صلح سیاسی با یک گروه مخالف دولت، ضرورت داشته باشیم به صلح اجتماعی و تغییر رفتار جریان‌های سیاسی نیازمندیم؟

آری، صلح سیاسی مکمل نیست. ممکن است پیمان صلح امضا شود و آتش‌بس صورت بگیرد؛ اما اصل صلح که آرامش دایمی به بار بیاورد در متن جامعه صورت می‌گیرد. این صلح زمانی‌ست که اختلاف‌ها از بین برود و دیگر کسی از تفاوت‌های درون جامعه به عنوان کارت بازی سیاسی استفاده نتواند. نسل جدید هم باید مسوول به بار بیاید و نقش زنان در این عرصه بسیار مهم و سازنده است تا فرزندان جامعه را مسوول به بار بیاورد. زیرا همه چیز تنها حق نیست؛ بلکه مسوولیت نیز هست. در کنار مستفید شدن از حق شهروندی باید مسوولیت شهروندی نیز ادا شود. اگر کسی از بورس تحصیلی استفاده می‌کند و به خارج از کشور می‌رود یک حق آموزش او است؛ اما وقتی که پس از تحصیل در همان دولت‌ها پناهنده می‌شود و به کشور بر نمی‌گردد مسوولیتش در قبال جامعه چه می‌شود؟ آیا هیچ مسوولیتی در قبال این امتیازها و این حقوق ندارد؟ این‌جاست که باید همه شهروندان به درک لازم برسند که هر حقی یک مسوولیت نیز در کنارش دارد.

● مذاکرات جاری در سطح ملی و بین‌المللی اگر منتج به صلح سیاسی میان دولت و گروه طالبان شود، زنان افغانستان چگونه صلحی می‌خواهند؟

مشارکت زنان حتمی است؛ پیش‌رفت‌ها، دست‌آوردها و ارزش‌های دموکراتیک هجده سال اخیر حفظ شود؛ تمام اقوام افغانستان باهم برادر و برابر باشند و معیار مشارکت شایسته‌گی باشد. زیرا در یک چنین وضعیتی است که صلح پایدار باقی می‌ماند تا صلحی که صرف بر نوع نظام تمرکز کند و یا صلح مشروط به تعدادی از کرسی‌های وزارت و معینیت‌ها به وجود بیاید.

و در آخر، اگر قرار باشد دولت با طالبان پیمان صلح امضا کند که مسلمان طالبان در نظام سیاسی کشور سهمیم و در قدرت شریک خواهد شد، شما منجبت یک زن و فعال حقوق زن از وجود طالبان در درون نظام چه نگرانی دارید؟

من نگرانی دارم، اما صلح همواره یک شریعت شیرین نیست؛ گاهی صلح می‌تواند یک پیاله زهر هم باشد. بعضی موارد را واقعن ما باید جدی بگیریم. اگر چند نماینده‌های گروه طالبان اقرار کرده‌اند که «ما طالبان قدیم نیستیم، تغییر کردیم» ولی باید تعهد ملی و بین‌المللی بدهند که فردا روز برای حضور زنان در سیاست و آموزش دختران اخلال ایجاد نمی‌کنند. زنان طی سال‌های اخیر زحمت کشیده‌اند، خطرات را متقبل شده و در انتخاب شرکت کرده‌اند. اگر قرار باشد طالبان با دولت صلح کند باید طالبان با حفظ نیروهای امنیتی، نظام دموکراسی، ارزش‌های دموکراتیک چون حقوق بشر، آزادی بیان، رسانه‌ها و حقوق و آزادی‌های زنان و مشارکت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان موافق باشد.

وجه و در هیچ‌گونه صلحی به بحث گذاشته نشود. صلحی را که مشروط به رفتار زنان در چارچوب اسلامی و افغانی می‌گویند هیچ معنا ندارد؛ مگر اکنون زنان افغان مسلمان نیستند؟ یا در فرهنگ اسلامی و افغانی زنده‌گی نمی‌کنند؟ اکثر تفاوت‌های گذشته نیز در حال از بین رفتن است و زنان یک‌سان می‌شوند؛ نیاز نیست زنان را از نو مسلمان بسازند. اگر قرار بر رفتار مسلمانی باشد، قبل از همه باید این گروه‌ها به نفس انسان‌ها احترام بگذارند، مردم را و هم‌دیگر خودشان را نکشند.

● در یک چنین وضعیتی، نهادهای زنانه که در متن جامعه فعالیت دارند چه تغییری می‌توانند به وجود بیاورند؟

نخستین کاری که این نهادها می‌توانند بکنند، رشد آگاهی خودشان و آگاهی‌دهی جامعه است. برای جامعه باید فهمانده شود که گروه‌های شورشی و جریان‌های سیاسی و رهبران این جریان‌ها مبتنی بر منافع شخصی خودشان جهت‌گیری می‌کنند و برای آینده‌ی این مملکت برنامه‌ای ندارند. در حالی که این جریان‌ها باید فهمیده باشند که تداوم خصومت‌های شان به نفع کشور نیست. وقتی که پاکستان در تنگنای مالی قرار گرفت و از سویی هم محتاج پول امریکا و آی.ام.اف است، برای آرام کردن و مصالحه با گروه‌های شورشی اقدام کرد و گرنه برای دهه‌های آینده نیز جنگ را ادامه می‌داد. حالا در افغانستان به استقلال مالی فکر شود نه به خصومت‌های سیاسی که منتج به تداوم اختلاف‌ها و خشونت‌ها و گسترش فقر و فساد می‌شود. کمک‌های بین‌المللی نیز روزی قطع خواهد شد، همین امروز شماری از جوامع افریقایی نیازمندتر از افغان‌ها است. در حالی که در افغانستان این کمک‌ها بیش‌تر به غارت می‌رود تا اینکه برای مردم و جوانان کارآفرینی شود و در اثر همین فساد است که فقر نیز افزایش یافته است. با این همه، ما به زنان و نهادهای زنانه اعتماد داریم. تغییر بزرگ اجتماعی از همین گام‌های کوچک سازنده نشأت می‌گیرد.

## ● نهادهای امنیتی (اردوی ملی، پولیس ملی و امنیت ملی) که حافظ ثبات و امنیت افغانستان استند و نظام دموکراسی برای زنان افغان خط قرمز است که به هیچ وجه و در هیچ‌گونه صلحی به بحث گذاشته نشود. صلحی را که مشروط به رفتار زنان در چارچوب اسلامی و افغانی می‌گویند هیچ معنا ندارد؛ مگر اکنون زنان افغان مسلمان نیستند؟ یا در فرهنگ اسلامی و افغانی زنده‌گی نمی‌کنند؟ اکثر تفاوت‌های گذشته نیز در حال از بین رفتن است و زنان یک‌سان می‌شوند؛ نیاز نیست زنان را از نو مسلمان بسازند. اگر قرار بر رفتار مسلمانی باشد، قبل از همه باید این گروه‌ها به نفس انسان‌ها احترام بگذارند، مردم را و هم‌دیگر خودشان را نکشند.

مردان سیاست‌مدار به این موضوعات باید فکر کنند تا تشدید اختلافات قومی. قبل از همه باید نابرابری‌های اجتماعی و فقر از بین برود. هجده سال پیش که ما به بازسازی شروع کردیم حدود ۲۸ درصد مردم زیر خط فقر زنده‌گی می‌کردند، اما پس از هجده سال کار و تلاش اوضاع بدتر شده و بیش‌تر از ۵۴ درصد مردم زیر خط فقر زنده‌گی می‌کند. پس در یک چنین وضعیتی

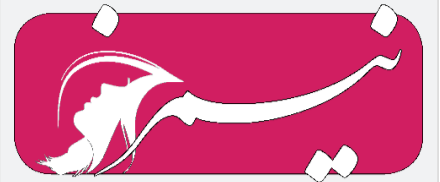
● ادامه از صفحه اول

ادامه روی کرد **روی‌کرد نیمرخ**

## عاشقانه‌های سیاسی...

با در نظر داشت وضع موجود تلاش‌ها صورت می‌گیرد تا با تجلیل از روز ابراز عشق ورزیدن «روز عاشقان» گوشه‌ی چشم ما برای تغییری نیز افتاده باشد. به همین دلیل لحظات ما به دلیل اعتراض بر وضع موجود رنگ و بوی سیاسی به خود گرفته بود.

آن چه در رابطه با این واکنش‌ها انجام شود؛ حمایت از آزادی‌های است که فرد فرد یک جامعه حق دارند که باید داشته باشند.



Nimrokh Weekly

سال دوم • شماره ۷۵ • دوشنبه ۲۹ دلو ۱۳۹۷  
Monday • February 18, 2019  
Vol. 2 • No. 75



خواننده‌گان عزیز نیمرخ بدون جهت‌گیری خاص سیاسی مقالات و نوشته‌ها را از صاحب‌نظران منتشر می‌کند.  
صاحب امتیاز و مدیر مسوول: فاطمه روشنیان  
سردبیر: ریحانه رها  
گزارش‌گر: فرزانه احساس و حسین احمدی  
عکاس: نجیبه نوری  
صفحه‌آرا: اولیا عماد  
زیر نظر هیئت تحریر  
به جز روی کرد نیمرخ سایر نوشته‌ها مسوولیتش به دوش نویسنده‌گان می‌باشد.  
هفته نامه نیمرخ در ویرایش مطالب دست باز دارد.  
شماره تماس: ۰۷۹۸۸۹۸۸۹۴  
آدرس الکترونیکی:  
Nimrokhweekly7@gmail.com



گزارش  
فرزانه احساس



# تجلیل از روز عاشقان در کابل

از چهاردهم فروری روز عاشقان (ولنتاین)، در کابل متفاوت‌تر از سال‌های گذشته استقبال شد. عده‌ای زیادی از جوانان در پل سرخ و تپه وزیراکبر خان کابل گردهم آمدند و از این روز به گرمی و صمیمیت استقبال کردند. آن‌ها به هم‌دیگر گل، تحفه‌های خاص مناسبی در فضایی صمیمیت و مهربانی هدیه دادند.

تجلیل گردید؛ عده‌ای با نامزد و یا همسرشان ولنتاین را تجلیل کرده و فلسفه‌ی این روز را ابراز عشق و علاقه به یک‌دیگر تفسیر می‌کردند و عده‌ای هم با جمع از دوستان با تقدیم دسته‌های گل و تحایف به یک‌دیگر، هم‌چنان گروه از جوانان با تقدیم دسته گلی به کارمندان نظیف شاروالی و نیروهای امنیتی آن‌ها را عاشقان اصلی وطن دانسته و به آن‌ها ابراز صفا و صمیمیت کردند. به باور این جوانان ولنتاین

ارزش‌ها نادیده گرفته شود. از سوی دیگر، تعداد از افراطیون تجلیل از روز عاشقان را محکوم کرده و این را یک عمل غربی و خلاف عقاید و باورهای اسلامی دانستند، تلاش برای ممانعت از تجلیل این روز کردند اما به باور این جوانان عشق انقلابی ست در برابر نفرت‌ها و خشونت‌ها. به باور آن‌ها بهتر است خشونت محکوم گردد و به جای آن محبت و عشق ورزیدن را باید گرامی داشت. ما در جامعه‌ی زنده‌گی می‌کنیم که



سال‌هاست در جنگ و بدبختی به سر می‌برد، جای محبت، هم‌دلی و صمیمیت را نفرت و خشم گرفته و افراد این مرز و بوم هر صبح را با هزاران ترس و وحشت آغاز می‌کنند و از حضور در جمع و جماعت می‌هراسند. پس، از تجلیل روزهای استثنایی چون ولنتاین که برای مردم عشق، محبت و لب‌خند هدیه می‌دهد، پیام هم‌دلی، دوستی، صفا و صمیمیت را باخود آورده و بهانه‌ای است برای ایجاد فضای هم‌دلی، مهر و محبت میان جوانان و هر فرد جامعه. اما با وجود تجلیل گسترده از این روز در فضای مجازی و حقیقی، ما شاهد موضع‌گیری‌ها و واکنش‌های

سریع از سوی عده‌یی از روحانیون، و تعداد از کاربران شبکه‌های اجتماعی که ولنتاین را تنها برای دختران و پسران که رابطه عاطفی و احساسی نسبت به هم‌دیگر داشته و دیگر هیچ نوع بار ارزشی ندارد تلقی کردند. آنان تجلیل از این روز را نکوهش نموده و آن را تقلید از فرهنگ غرب پنداشته و ابراز داشتند که این اعمال در تقابل با سنت و ارزش‌های فرهنگ اسلامی قرار دارد.

تنها به معنای ابراز عشق و علاقه نیست، بل آن‌ها باید با استفاده از این شرایط برای حفظ آزادی و ارزش‌های که در ۱۸ سال اخیر به دست آورده‌اند که تا حدی رنگ و بوی سیاسی به خود گرفته است؛ پیام این جوانان نه گفتن به افراطیت و بلند کردن کارت سرخ در برابر طالبان و حمایت از ارزش‌ها و آزادی‌های به‌دست آمده در ۱۸ سال اخیر در نزد جوانان بوده که نباید در گفت‌وگوهای صلح این

گسترده و لباس رنگ عشق بر تن عاشقان شهر، شهر را رویایی ساخته بود. شاعران عاشق شعر سرودند، مرتجعین مثل همیشه قانون وضع و محدودیت ایجاد کردند، خانواده‌ها با نگاه‌های مشکوک فرزندان شان را در هنگام بیرون شدن از خانه بدرقه کردند، جوانان با شک و دلپره اما شور و شفع از خانه‌ها بیرون آمدند و برای معشوق‌های شان گل خریدند. از این روز به گونه‌های متفاوتی در میان جوانان

## ژمورو دولت بریا، ژمورو بریا ده!

افغان دولت، د افغانانو د ژوند ښه کولو لپاره هڅې کوي. په وروستيو کې د کلیو او پراختیا وزارت د لمرېزې برېښنا پر مټ د اوبو د تصفیه کولو یو نوی سیستم پرانیست. د ۴،۵ میلیونه افغانیو په ارزښت دغه پروژه به د ۴۰ زره لیتره اوبو د ذخیره کولو وړتیا ولري چې د پکتیکا اوسېدونکي ترې ګټه پورته کوي. د افغانستان اسلامي جمهوري دولت په هېواد کې د ټولو افغانانو د روغتیا او هوساینې لپاره خپلو پانکونو ته دوام ورکوي.

## موفقیت دولت ما، موفقیت ما است!

دولت افغانستان برای بهبود وضعیت زندگی افغانها تلاش می‌کند. اخیراً وزارت احیا و انکشاف دهات سیستم جدید تصفیه آب به واسطه انرژی آفتابی را افتتاح کرد. این پروژه به ارزش ۴،۵ میلیون افغانی، ظرفیت ذخیره کردن ۴۰ هزار لیتر آب را دارد که باشندگان پکتیکا از آن مستفید می‌شوند. دولت جمهوری اسلامی افغانستان به سرمایه گذاری هایش در کشور ادامه می‌دهد و به صحت تمامی افغانها توجه دارد.



د پکتیکا د کلیو